

بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان خودکشی در استان‌های کشور

حبیب احمدی^۱ * فاطمه ابوترابی زارچی^۲

چکیده

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی، به اهمیت شبکه‌های ارتباطی میان انسان‌ها و نحوه تعاملات آنها با یکدیگر پی برده‌اند و در بررسی مشکلات اجتماعی، از جمله خودکشی، این شبکه‌های ارتباطی را در نظر گرفته‌اند. این تحقیق به منظور بررسی رابطه بین خودکشی و سرمایه اجتماعی در استان‌های کشور در سال ۱۳۷۹ از روش تحلیل ثانوی استفاده کرده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که متغیرهای سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته ساختاری (میزان شرکت در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه) و سرمایه اجتماعی نهادی ساختاری (میزان شرکت در انتخابات) با خودکشی رابطه منفی دارند، ولی دیگر ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی کلی با خودکشی رابطه معناداری ندارد.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، خودکشی، انحرافات اجتماعی و کج‌رفتاری.

فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی • سال اول • شماره دوم • بهار ۱۳۹۱ • صص ۶۳-۷۹

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی.

مقدمه

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود در گروه‌های مختلف اجتماعی عضو می‌شود و نحوه تعاملاتش با دیگران می‌تواند مبین رفتارهای فردی او باشد. در ادبیات جامعه‌شناسی به این شبکه‌های ارتباطی اصطلاحاً سرمایه اجتماعی گفته می‌شود. هر چند که اتفاق نظر چندانی بر سر تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی وجود ندارد، بولن و انیکس^۱ هشت مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی را چنین مطرح می‌نمایند: مشارکت در اجتماع، کنش‌گرایی در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی، پیوندهای کاری و پیوندهای دولتی و خانوادگی (برغم‌دی، ۱۳۸۷: ۲۶۹-۲۶۸). بسیاری از محققان علوم اجتماعی برای بررسی مشکلات اجتماعی و انحرافات اجتماعی به اهمیت نقش شبکه‌های ارتباطی افراد توجه ویژه دارند. خودکشی یکی از مشکلات اجتماعی است که کشور ما با آن مواجه است. خودکشی بنا به تعریفی که امیل دورکیم از آن دارد، به معنای هر نوع مرگی است که نتیجه مستقیم و غیرمستقیم کردار مثبت یا منفی خود قربانی است که می‌دانسته باید به همین نتیجه برسد (دورکیم، ۱۳۷۸: ۶). خودکشی در نگاه اول، امری فردی به نظر می‌رسد، ولی در نظر بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی، امری اجتماعی است که برای بررسی عوامل مرتبط با آن باید به پدیده‌های اجتماعی دیگر رجوع کرد. افزایش خودکشی در برخی از نواحی کشور (استان‌های ایلام، کرمانشاه، لرستان، چهارمحال و بختیاری، همدان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویر احمد و خراسان) باعث شده است که محققان علوم اجتماعی در صدد تبیین علل و عوامل مؤثر بر این پدیده برآیند. تحقیق حاضر سعی دارد تا با بهره‌گیری از مفهوم سرمایه اجتماعی و یافته‌های پژوهشی در دسترس، به تبیین پدیده خودکشی در استان‌های کشور بپردازد.

1. Bulen & Enicks

۱. پیشینه تاریخی و مفهوم سرمایه اجتماعی

ریشه‌های بحث سرمایه اجتماعی را می‌توان در کارهای جامعه‌شناسان کلاسیک، چون دورکیم، وبر، مارکس، زیمل و مید پیدا کرد. در این باره که چه کسی اولین بار این واژه را ابداع کرده است، اتفاق نظری وجود ندارد. اولین استفاده شناخته شده از عبارت سرمایه اجتماعی توسط لیدا جادسون هانیفان^۱ در سال ۱۹۱۶ برای تشریح مرکز آموزش در مناطق روستایی بود (فوکویاما، ۱۳۸۳: ۲۰۸). در سال ۱۹۶۰ جین جیکوب^۲ در اثری به نام «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی» و در سال ۱۹۷۰ گلن گلوری^۳ از این واژه برای توضیح مشکلات اقتصادی درون شهری سود جسته‌اند (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۲۳). جیمز کلمن^۴ نیز در سال ۱۹۷۰ در کتاب خود با نام «بنیادهای نظریه اجتماعی» بخشی را به بحث درباره سرمایه اجتماعی اختصاص داد. پیر بوردیو نیز به بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته و رابرت پاتنام در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی»، نظرات خود را در این مورد بیان کرده است. فوکویاما در پژوهشی با عنوان «پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن» در سال ۱۹۹۷ دیدگاه‌های خود را در باب سرمایه اجتماعی بیان کرد.

تعاریف متعددی از مفهوم سرمایه اجتماعی صورت گرفته است که در مجموع می‌توان این موارد را از شاخصه‌های این مفهوم دانست: اعتماد، هنجار و شبکه‌ها و ارزش‌های غیررسمی (پاتنام ۱۳۷۷ و فوکویاما، ۱۳۸۴) موقعیت‌ها و روابط در گروه‌بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی (Turner, 2003; Lin, 2001) روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه به هنجارها و ارزش‌های مشترک و حس تعلق و همبستگی (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۲: ۱۰) و نهادها، اعمال، ابزارها و رفتارهای یاد گرفته شده (امیرخانی و پورعزت، ۲۰: ۱۳۸۷).

۲. سرمایه اجتماعی و انحرافات اجتماعی (کج رفتاری)

نظریات متعددی در طول زمان سعی بر آن داشته‌اند تا به تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و انحرافات اجتماعی یا کج رفتاری بپردازند. این نظریات به روش‌های مختلف سعی کرده‌اند

-
1. Lyda Judson Hanifan
 2. Jane Jacobs
 3. Glenn Gloury
 4. James Coleman

از مفهوم سرمایه اجتماعی یا یکی از معرف‌های آن برای تبیین انحرافات اجتماعی استفاده کنند. در اینجا این نظریات را به سه گروه تقسیم‌بندی می‌کنیم: اولین دسته نظریاتی هستند که به سرمایه اجتماعی مثبت و سازنده تأکید دارند. گروه دوم، مربوط به نظریاتی است که به سرمایه اجتماعی منفی و مخرب توجه نشان می‌دهند و دسته سوم این نظریات، بر هر دو بعد سرمایه اجتماعی منفی و مثبت متمرکز هستند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این نظریات اشاره می‌شود.

۱-۲. تأکید بر سرمایه اجتماعی مثبت

نظریه پردازان فشار معتقدند که فقدان تعلقات اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده موجب می‌شود که افراد هنگام روبه‌رو شدن با منابع فشار نتوانند بر آنها غلبه کنند. در نتیجه، احساساتی منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به کج‌رفتاری می‌شود (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۲).

هیرشی^۱ به‌عنوان پایه‌گذار نظریه پیوند اجتماعی معتقد است که کج‌رفتاری زمانی روی می‌دهد که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۳۸). سمپسون و لوپ^۲ (۱۹۹۰) معتقدند: سرمایه اجتماعی در روابط نهادی شده چه در خانواده و چه در محل کار و اجتماع است که شدت کنترل غیر رسمی را در سطح فردی تحکیم بخشیده و باعث کاهش کج‌رفتاری می‌شود (چلبی و مبارکی، پیشین: ۱۵-۱۴). از نظر کاکس^۳، هر جامعه‌ای که دارای اعضای غیرقابل اعتماد فراوان فاقد تجارب و انتظارات مثبت باشد، در مورد پیروی از قانون، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر شاخص‌های اجتماعی مشکلات اساسی دارد و اگر جامعه‌ای با مشکلات اجتماعی متعددی دست به گریبان است، سطح سرمایه اجتماعی در کل جامعه یا در بین گروه‌های فرعی خاصی پایین است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴).

بریتویت معتقد است که علت وجود همنوایی در جامعه، کنترل رفتار فرد توسط عوامل مختلف است و این کنترل از طریق شرم‌نده‌سازی انجام می‌شود. در نظر وی، در جوامع سنتی که روابط متقابل اجتماعی قوی‌تر و فردگرایی ضعیف است، شرم‌نده‌سازی

-
1. Hirschi
 2. Sampson & Laub
 3. Cox

پیونددهنده (که به درک احساس کج‌رفتار، نادیده گرفتن تخلف وی و ابراز احترام به وی و همچنین ایجاد احساس تقصیر در وی می‌پردازد تا از ادامه کج‌رفتاری وی جلوگیری کند و به جمع هم‌نویان بازگرداند) مؤثرتر است و توانسته مانع کج‌رفتاری بیشتر شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۱).

کازاردا و جانویتز^۱ (۱۹۷۴) معتقدند که گروه‌های دوستی و خویشاوندی که ریشه در ثبات مسکونی دارند، باعث تقویت دلبستگی‌های محله می‌شوند. شبکه‌های قوی و متراکم به‌طور یکنواخت توانایی یک اجتماع را برای کنترل غیررسمی کج‌رفتاری افزایش می‌دهند (چلبی و مبارکی، پیشین: ۱۵).

۲-۲. تأکید بر سرمایه اجتماعی منفی

نظریه خرده‌فرهنگی بر بزهکاری جوانان متمرکز است و در تبیین جامعه‌شناختی، کج‌رفتاری‌های آنان را بر حسب ویژگی‌های خرده‌فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهند. به اعتقاد این نظریه‌پردازان، برخورد هنجارها در خرده‌فرهنگ‌های متفاوت شرایط را برای کج‌رفتاری آماده می‌کند (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۴۸). در نظر آلبرت کوهن^۲، طبقات پایین در جامعه از نظر دستیابی به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه در عین حال که آنها را به کسب منزلت تشویق می‌کند، امکان دستیابی را در اختیار آنها قرار نمی‌دهد؛ طبقه محروم شیوه‌های خود را برای دستیابی به منزلت از طریق اشتغال به امور خلاف و ایجاد خرده‌فرهنگ‌های کجرو پیدا می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۵: ۱۰۰). نظریه میلر^۳ در این راستا مبتنی بر ویژگی‌های طبقاتی جوانان طبقات پایین جامعه است و خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری که بزهکاران طبقات پایین جامعه تولید می‌کنند در پاسخ به خرده‌فرهنگ طبقه خود است (احمدی، ۱۳۸۴: ۷۶).

۲-۳. تأکید بر سرمایه اجتماعی مثبت و منفی

نظریه‌پردازان انتخاب عقلایی بر هر دو جنبه سرمایه اجتماعی توجه دارند، چراکه در نظر آنها افراد عقلانی زمانی مرتکب کج‌رفتاری می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از

1. Kasarda & Janowitz
2. Albert Cohen
3. Miller

این فعالیت‌ها به دست می‌آورند، بیشتر از آستانه اخلاقی آنها باشد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۰). از یک سو توجه ویلسون و هرنتین^۱ (۱۹۸۵) بر جنبه مثبت سرمایه اجتماعی است؛ بدین معنا که کاهش بالقوه پیوندهای اجتماعی می‌تواند به آسانی به‌عنوان بازدارنده بالقوه در نظر گرفته شود، چراکه این کاهش از نظر فرد به‌عنوان هزینه‌ای برای ارتکاب جرم محسوب شده و او این هزینه را با سود خالص آن مقایسه کرده و تصمیم‌گیری نهایی را نسبت به انجام دادن رفتار اتخاذ می‌کند. اما توجه ساواج و کاناواوا^۲ (۲۰۰۱) بر سرمایه اجتماعی منفی است؛ در نظر آنان روابط با دوستانی که رفتار ضد اجتماعی را ارج می‌نهند، جرم را از طریق فرایندهای مشابه با انتخاب ترویج می‌کند، چراکه در این نوع روابط، منزلت اجتماعی افزایش یافته و طرد اجتماعی به‌وسیله مجموعه‌ای از رفتارها جلوگیری می‌شود (همان).

از دیگر نظریه‌پردازانی که بر هر دو جنبه سرمایه اجتماعی تأکید دارند، نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی هستند. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی بر این باورند که کج‌رفتاری و هم‌نوایی طی فرایندهایی مشابه یاد گرفته می‌شود و کج‌رفتاری نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی به‌ویژه در چارچوب خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان است. به عبارت دیگر، افراد، کج‌رفتاری را در طول تعامل خود و طی فرایندهای خاصی یاد می‌گیرند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۶). در این دسته از نظریات می‌توان به نظریه‌های پیوند افتراقی سادرلند^۳، هویت افتراقی گلیرز^۴، تقلید تارد^۵، تقویت افتراقی برگس و ایکرز^۶ و فرصت افتراقی کلووارد و اهلاین^۷ اشاره کرد.

نظریه‌پردازان فرایند اجتماعی بر کنش‌های متقابل مردم با سازمان‌های گوناگون، نهادها و فرایندهای اجتماعی متمرکزند و معتقدند که اگر روابط موجود بین مردم از نوع گرم و مثبت باشد، مردم قادرند از عهده مسائل اجتماعی برآیند. اما اگر این روابط منفی و مخرب باشند، مردم را با مشکل مواجه ساخته و جرم و جنایت را در جامعه افزایش خواهد

-
1. Wilson & Herrstein
 2. Savage & Kanzawa
 3. Sutherland
 4. Glaser
 5. Tarde
 6. Burgess & Akers
 7. Cloward & Ohlin

داد (چلبی و مبارکی، پیشین: ۱۳-۱۲).

فوکویاما معتقد است: احتمال تولید اثرات منفی توسط سرمایه اجتماعی بیش از دو شکل سرمایه فیزیکی (اسلحه‌ها) و سرمایه انسانی (شکنجه) است، چراکه اغلب همبستگی گروهی در اجتماعات انسانی به قیمت خصومت علیه اعضای برون‌گروهی ایجاد می‌شود. هرچه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر است (Field, 2003: 73). به نظر او، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی را از طریق وجود برخی پدیده‌های اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه به روش‌های مرسوم اندازه‌گیری کرد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۶۵). از منظری دیگر، وی معتقد است که خصوصیات سرمایه اجتماعی مثل اعتماد، سلسله مراتب، سازوکارهای بسیار رسمی دیوانسالاری و ارتباطات می‌تواند در گروه‌های تبهکاری نیز وجود داشته باشد (همان: ۸۳). در نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود، اما سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد (همان). هرچند آثار بیرونی مثبت سرمایه اجتماعی بیشتر در این نوع محتمل است، اما سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده ضمن اینکه موجب همبستگی در میان اعضای گروه می‌شود، ممکن است با ایجاد وفاداری‌های قوی درون‌گروهی موجب ضدیت‌های برون‌گروهی نیز بشود. بنابراین آثار بیرونی منفی، بیشتر احتمال دارد در این نوع سرمایه اجتماعی بروز یابد. اگرچه در بیشتر شرایط هر دو نوع سرمایه می‌تواند تأثیرات قوی و مثبت اجتماعی به دنبال داشته باشند، اما در صورت ضعف سرمایه اجتماعی اتصالی، یعنی ضعف ارتباط گروه‌ها و بخش‌های مختلف با یکدیگر، انسجام اجتماعی جامعه در معرض خطر بوده و می‌تواند در برخی موارد موجب ازهم‌گسیختگی جامعه گردد. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی اندک می‌تواند میزان جرم را پیش‌بینی کند (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۷).

فیلد معتقد است که گروه‌ها می‌توانند دارایی‌های منفی داشته باشند و هویت گروهی می‌تواند تصورات قالبی درباره افراد خارج از گروه با پیامدهای مخرب را تلقین کنند. به باور وی، سرمایه اجتماعی چه در شکل بین‌گروهی و چه در شکل درون‌گروهی می‌تواند هم آثار مثبت برای فرد و جامعه داشته باشد و هم آثار منفی. این از هر جامعه‌ای به جامعه

دیگر می‌تواند به اشکال متفاوتی دیده شود (Field, op. cit: 71-90).

۳. سرمایه اجتماعی و خودکشی

دور کیم به عنوان اولین فردی که به بررسی تجربی خودکشی پرداخت، در کتاب «خودکشی» خود بیان می‌کند که میزان خودکشی با همبستگی اجتماعی، همبستگی دارد. به عبارت دیگر، هرچه همبستگی اجتماعی افزایش یابد، میزان خودکشی کاهش می‌یابد. امروزه صاحب نظران علوم اجتماعی معتقدند که مفهوم یگانگی اجتماعی و چسبندگی اجتماعی دور کیم با مفهوم نوین تر سرمایه اجتماعی همخوانی دارد و بیان می‌کنند که در اصل، کتاب خودکشی دور کیم در مورد بررسی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر خودکشی است. بنابراین در نظر دور کیم، هرچه میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، میزان خودکشی نیز کاهش می‌یابد. این جمله دور کیم بیان واضحی از این موضوع است که «عامل اصلی و عمده‌ای که به زندگی ما هدف و معنا می‌بخشد، حدود تعلق و ارتباط ما با دیگران است. در این صورت است که زندگی ارزش پیدا می‌کند و اگر چنین نباشد هر چیزی ممکن است دستاویزی برای خلاص شدن از شر زندگی شود» (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

دور کیم خودکشی را امری اجتماعی می‌داند که برای تبیین آن باید به پدیده‌های اجتماعی دیگر نگریست. دور کیم انواع زیر را در باب خودکشی تشخیص می‌دهد:

۱. خودکشی خودخواهانه: این نوع خودکشی را باید در پرتو همبستگی‌های موجود میان میزان خودکشی و چارچوب‌های ادغام اجتماعی تحلیل کرد. این چارچوب‌ها عبارتند از: اجتماع مذهبی، اجتماع نظام سیاسی و اجتماع خانوادگی. وی خصصیه مشترک این اجتماعات را در یکپارچگی آنها می‌داند و معتقد است که میزان خودکشی در جهت عکس میزان یکپارچگی گروه‌های اجتماعی تغییر می‌کند. بدین معنا که هر اندازه گروه‌هایی که فرد به آنها وابسته است، ضعیف و ناتوان شوند، فرد به آنها کمتر وابستگی می‌یابد و در نتیجه به خود وابسته می‌شود و تنها قواعد رفتاری که بر مبنای منافع شخصی اش استوار باشد می‌پذیرد و افراد از وظایف خود در برابر جامعه با توسل به مرگ طفره می‌روند. وی این خودکشی را بدین سبب خودخواهانه می‌نامد، زیرا بر فردگرایی افراطی تأکید دارد (دور کیم، ۱۳۷۸: ۲۴۱-۲۴۰).

۲. خودکشی دگردوستانه: این نوع خودکشی در نظر دور کیم نتیجه محو کامل فرد در

گروه است. زمانی که فرد از جامعه گسسته می‌شود، مقاومت کمتری در برابر خودکشی از خود بروز می‌دهد و به همان ترتیب زمانی که فرد در وحدت کامل با جامعه‌اش قرار گیرد نیز می‌تواند به آسانی خود را بکشد (همان: ۲۵۱).

۳. خودکشی ناشی از بی‌هنجاری اجتماعی: این نوع خودکشی به سبب شرایط هستی در جوامع جدید دامنگیر افراد می‌شود. در این جوامع، هستی اجتماعی تحت انتظام عادات قرار ندارد، افراد دائماً با هم در حال رقابتند، انتظار آنان از هستی بسیار زیاد است و در نتیجه دائماً در رنج ناشی از بی‌تناسبی موجود میان تمایلات و خشنودی‌های خود هستند. این فضای پر از نگرانی برای توسعه جریان خودکشی‌ها مناسب است (آرون، ۱۳۷۷: ۳۸۳). در نظر او، این نوع خودکشی در زمان‌های بحران‌های اقتصادی، آشوب‌های اجتماعی و زمانی که تعداد طلاق‌ها افزایش یابد، روی می‌دهد.

۴. خودکشی قدرگرایانه: این نوع خودکشی در مقابل خودکشی ناشی از بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. این نوع از خودکشی در نتیجه افراط در نظم و قاعده به وقوع می‌پیوندد. (دورکیم، پیشین: ۳۳۱)؛ بدین معنا که هرگاه افراد احساس کنند گروهی که به آن تعلق داشته‌اند و با افراد آن کنش‌های متقابل معنادار داشته‌اند، رو به نابودی است، دلیلی برای ادامه حیات خود نمی‌یابند، دست به خودکشی می‌زنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

نظریات مربوط به سرمایه اجتماعی و کج‌رفتاری روشن می‌سازد که سرمایه اجتماعی دارای تأثیرات متضاد بر کج‌رفتاری خاصه خودکشی است. بنابراین می‌توان گفت: اگر سرمایه اجتماعی در گروه‌های خصم‌آمیز و بسته متراکم باشد و به عبارتی افراد در خرده‌فرهنگ‌های متضاد با کل جامعه عضویت یابند، بنابراین اعتماد بین گروهی آنها افزایش یافته و اعتماد به افراد دیگر جامعه کاهش می‌یابد و این همان سرمایه اجتماعی مخرب است که می‌تواند فرد را به سمت کج‌رفتاری سوق دهد و فرد به اعمال خود تخریبی دست زند. اگر فرد در گروه‌هایی عضو شود که در تضاد با جامعه نبوده و فرد را نسبت به هنجارها و ارزش‌های اصلی جامعه همنوا سازد، اعتماد وی به افراد دیگر جامعه بیشتر می‌شود و این همان سرمایه اجتماعی سازنده است. این سرمایه اجتماعی مانع از اعمال خودتخریبی فرد می‌شود. در این تحقیق، نظریه دورکیم به‌عنوان نظریه تبیین‌کننده رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در نظر گرفته شده است.

۴. روش تحقیق

این پژوهش یک تحلیل ثانوی است. داده‌های مورد نیاز این تحقیق برگرفته از آمار مربوط به خودکشی در ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۷۹ و نیز نتایجی است که حسینی و همکارانش برای محاسبه میزان سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور در همان سال به دست آورده‌اند.

حسینی و همکارانش به بررسی میزان سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌ها پرداختند. آنان با استفاده از روش استون و هیوز، سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانه و کلان و دو نوع ساختاری و شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین سرمایه اجتماعی را به شش قسمت شاخص‌های نهادی - شناختی، نهادی - ساختاری، تعمیم یافته - شناختی، تعمیم یافته - ساختاری، غیررسمی - شناختی و غیررسمی - ساختاری تقسیم می‌کنند و برای هر خانه تعدادی شاخص را از دو پیمایش ملی تحت عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و «رفتارهای فرهنگی ایرانیان» انتخاب کرده و به کمک روش تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی به رتبه‌بندی ۲۸ استان کشور در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ می‌پردازند که نتایج به دست آمده حاکی از این است که از لحاظ میانگین هر شش نوع سرمایه اجتماعی به ترتیب شهرهای ایلام، یاسوج، خرم‌آباد و بوشهر بالاترین میزان را داشته‌اند و شهرهای تهران، اصفهان و شیراز به ترتیب کمترین میزان سرمایه اجتماعی را داشته‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶).

همچنین بر اساس آمار خودکشی در ۲۸ استان کشور در سال ۱۳۷۹، می‌توان گفت که بالاترین میزان خودکشی در استان‌های ایلام و کرمانشاه و پس از آنها با فاصله زیادی در استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، همدان، آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویر احمد و خراسان و کمترین میزان خودکشی در سیستان و بلوچستان، تهران، خوزستان و اصفهان روی داده است. از آنجا که داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی و خودکشی در دو سطح متفاوت اندازه‌گیری شده است، لازم است تا با محاسبه مقدار استاندارد هر کدام از این داده‌ها به تحلیل رابطه بین این دو متغیر پردازیم.

جدول ۱. میزان انواع سرمایه اجتماعی و خودکشی در استان‌های کشور در سال ۱۳۷۹

میانگین خودکشی در سال ۱۳۷۹	سرمایه اجتماعی کل در سال ۱۳۷۹	سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۷۹						استان
		نهادی		تعمیم یافته		غیر رسمی		
		شناختی	ساختاری	شناختی	ساختاری	شناختی	ساختاری	
۵/۳۲	-/۴۹۵۱۱۷	-/۵۳۳۷	-/۶۰۶۰	-/۳۳۴	-/۴۴۶	-/۴۱۸	-/۶۳۳	آذربایجان شرقی
۸/۹۳	-/۵۱۷۰۵	-/۸۲۰۳	-/۵۱۶	-/۶۲۱	-/۳۶۲	-/۲۳۵	-/۵۴۸	آذربایجان غربی
۳/۴۶	-/۴۳۷۰۸۳	-/۳۵۵۵	-/۵۴۸	-/۲۱۹	-/۷۴۸	-/۲۵۰	-/۵۰۲	اردبیل
۱/۷۸	-/۶۰۹۰۶۷	-/۷۵۸۴	-/۷۴۲	-/۶۴۳	-/۳۱۰	-/۶۶۷	-/۵۳۴	اصفهان
۳۴/۱۷	-/۱۳۳۴۳۳	-/۲۲۷۶	-/۲۳۱	-/۰۰۰	-/۱۰۴	-/۰۹۸	-/۱۴۰	ایلام
۴/۳۸	-/۲۹۵۴۸۳	-/۳۶۳۹	-/۴۳۵	-/۱۷۰	-/۵۵۷	-/۱۳۳	-/۱۱۴	بوشهر
۱/۶۲	-/۶۷۰۲۸۳	-/۹۲۳۷	-/۹۹۱	-/۶۶۹	-/۵۶۶	-/۱۴۵	-/۷۲۷	تهران
۹/۸۹	-/۵۱۰۲۶۷	-/۶۰۹۶	-/۲۴۹	-/۵۸۲	-/۵۶۷	-/۴۷۹	-/۵۷۵	چهارمحال و بختیاری
۵/۸۳	-/۵۳۵۴۶۷	-/۵۵۷۸	-/۴۹۳	-/۵۳۹	-/۳۰۳	-/۸۲۳	-/۴۹۷	خراسان
۱/۶۸	-/۵۳۸۲۶۷	-/۸۹۲۶	-/۶۰۰	-/۵۲۱	-/۶۲۳	-/۱۰۰	-/۴۹۳	خوزستان
۳/۹۱	-/۴۹۵۰۵	-/۵۵۳۳	-/۴۸۶	-/۴۵۴	-/۶۲۵	-/۳۱۶	-/۵۳۶	زنجان
۵/۱۹	-/۴۱۵۹۸۳	-/۴۸۶۹	-/۴۳۷	-/۱۶۶	-/۶۲۷	-/۳۵۳	-/۴۲۶	سمنان
-/۹۸	-/۲۹۷۷۵	-/۱۳۷۵	-/۵۷۶	-/۰۳۶	-/۶۸۳	-/۰۱۵	-/۳۳۹	سیستان و بلوچستان
۵/۲۱	-/۶۰۳۸	-	-/۴۹۴	-/۷۱۳	-/۴۲۹	-/۷۲۱	-/۶۶۲	فارس
۴/۴۷	-/۴۸۹۴	-/۵۵۶۴	-/۵۴۶	-/۳۸۹	-/۶۶۳	-/۴۱۳	-/۳۶۹	قزوین
۴/۳۱	-/۴۷۷۳۸۳	-/۵۹۶۳	-/۶۲۸	-/۴۰۳	-/۲۵۶	-/۴۳۱	-/۵۵۰	قم
۵/۷۴	-/۳۸۰۲۸۳	-/۴۸۶۷	-/۵۵۰	-/۲۵۷	-/۴۰۴	-/۰۸۲	-/۵۰۲	کردستان
۵/۰۲	-/۵۳۶۹۱۷	-/۷۱۰۵	-/۴۳۱	-/۴۸۹	-/۴۵۱	-/۶۹۳	-/۴۴۷	کرمان
۲۲/۱۸	-/۴۰۳۲۱۷	-/۳۵۰۳	-/۵۱۸	-/۳۱۳	-/۴۶۵	-/۲۱۶	-/۵۵۷	کرمانشاه
۷/۱۰	-/۲۵۰۹۱۷	-/۶۲۳۵	-/۰۵۱	-/۱۵۳	-/۲۶۹	-/۳۱۶	-/۰۹۳	کهگیلویه و بویر احمد
۵/۳۸	-/۵۰۰۴۳۳	-/۸۷۳۶	-/۳۸۹	-/۶۱۱	-/۵۰۷	-/۰۱۰	-/۶۱۲	گلستان
۳/۶۳	-/۵۲۳۰۸۳	-/۹۵۷۵	-/۴۰۵	-/۵۸۹	-/۲۹۵	-/۳۵۲	-/۵۴۰	گیلان
۱۱/۳۸	-/۲۹۱۴	-/۵۳۵۰	-/۴۰۰	-/۲۱۰	-	-/۲۱۷	-/۰۹۵	لرستان
۲/۹۱	-/۳۰۰۵	-/۷۳۸۰	-/۴۵۳	-/۲۲۴	-/۱۹۶	-/۰۹۹	-/۰۹۳	مازندران
۵/۸۲	-/۳۹۶۸۱۷	-/۳۷۳۹	-/۵۸۴	-/۴۵۵	-/۳۷۴	-/۱۱۲	-/۴۸۲	مرکزی
۳/۲۵	-/۴۱۲۶۳۳	-/۵۷۷۸	-/۵۲۸	-/۲۵۸	-/۷۳۶	-/۰۷۰	-/۳۰۶	هرمزگان
۹/۴۸	-/۵۳۸۵۱۷	-/۴۶۵۱	-/۵۷۷	-/۵۴۳	-/۷۳۲	-/۳۰۷	-/۶۰۷	همدان
۳/۹۷	-/۴۱۵۸	-/۲۸۸۸	-/۵۳۶	-/۱۰۷	-/۴۱۴	-/۶۳۴	-/۵۱۵	یزد

منبع: حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۱-۷۹ و صدیق سروسنایی، ۱۳۸۳: ۱۲۱

۵. آزمون فرضیات

- فرضیه اول: بین میزان سرمایه اجتماعی غیر رسمی ساختاری و خودکشی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲ به بیان چگونگی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی غیر رسمی ساختاری و خودکشی می‌پردازد. با توجه به مقادیر به دست آمده برای ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۴۲) و سطح معناداری (۰/۲۱۴)، می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان سرمایه اجتماعی غیر رسمی ساختاری و خودکشی رابطه معناداری وجود ندارد و بنابراین فرضیه مذکور رد می‌شود.

- فرضیه دوم: بین میزان سرمایه اجتماعی غیر رسمی شناختی و خودکشی رابطه وجود دارد.

با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون (۰/۱۴۲-) و سطح معناداری (۰/۴۷۰)، می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان سرمایه اجتماعی غیر رسمی شناختی و خودکشی رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۲).

- فرضیه سوم: بین میزان سرمایه اجتماعی تعمیم یافته ساختاری و خودکشی رابطه وجود دارد.

با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۸۸-) و سطح معناداری (۰/۰۴۱) مشاهده شده در جدول شماره ۲، می‌توان نتیجه گرفت که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه مذکور تأیید می‌شود.

- فرضیه چهارم: بین میزان سرمایه اجتماعی تعمیم یافته شناختی و خودکشی رابطه وجود دارد.

مقادیر ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۹۳-) و سطح معناداری (۰/۱۳۰) مشاهده شده در جدول شماره ۲، حاکی از وجود عدم رابطه معنادار بین میزان سرمایه اجتماعی تعمیم یافته شناختی و خودکشی است.

- فرضیه پنجم: بین میزان سرمایه اجتماعی نهادی ساختاری و خودکشی رابطه وجود دارد.

با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون (۰/۴۲۵-) و سطح معناداری (۰/۰۲۴)، می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان سرمایه اجتماعی غیر رسمی شناختی و خودکشی رابطه

معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۲).

- فرضیه ششم: بین میزان سرمایه اجتماعی نهادی شناختی و خودکشی رابطه وجود دارد.

بر اساس مقادیر ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۱۵-) و سطح معناداری (۰/۱۰۲)، می‌توان نتیجه گرفت که بین سرمایه اجتماعی نهادی شناختی و خودکشی رابطه معناداری وجود ندارد و بنابراین فرضیه مذکور رد می‌شود (جدول شماره ۲).

- فرضیه هفتم: بین میزان سرمایه اجتماعی کل و خودکشی رابطه وجود دارد. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی پیرسون (۰/۱۴۳-) و سطح معناداری (۰/۴۶۸) می‌توان استنباط کرد که بین میزان سرمایه اجتماعی کل و خودکشی رابطه معناداری وجود ندارد (جدول شماره ۲).

جدول ۲. بررسی رابطه بین میزان خودکشی و سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

شماره فرضیه	آزمون میزان خودکشی / متغیرهای وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد معتبر
۱	سرمایه اجتماعی غیر رسمی ساختاری	-۰/۲۴۲	۰/۲۱۴	۲۸
۲	سرمایه اجتماعی غیر رسمی شناختی	-۰/۱۴۲	۰/۴۷۰	۲۸
۳	سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته ساختاری	-۰/۳۸۸	۰/۰۴۱	۲۸
۴	سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته شناختی	-۰/۲۹۳	۰/۱۳۰	۲۸
۵	سرمایه اجتماعی نهادی ساختاری	-۰/۴۲۵	۰/۰۲۴	۲۸
۶	سرمایه اجتماعی نهادی شناختی	-۰/۳۱۵	۰/۱۰۲	۲۸
۷	سرمایه اجتماعی کل	-۰/۱۴۳	۰/۴۶۸	۲۸

۶. نتیجه‌گیری

از آنجا که این تحقیق با محدودیت‌های مختلفی روبه‌رو بوده است، مقایسه نتایج حاصل از این تحقیق با تحقیقات پیشین باید با احتیاط بیشتری صورت گیرد. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اندیشمندان علوم اجتماعی در تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی اتفاق نظر چندانی ندارند، بنابراین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی در تعریف آنها متفاوت است و این تفاوت

در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی، مقایسه یافته‌ها را دشوار می‌سازد و اکثر تحقیقات انجام گرفته، در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی، ابعاد کمتری از این مفهوم را مدنظر قرار داده‌اند.

۲. به دلیل عدم دسترسی به آمارهای مربوط به خودکشی و سرمایه اجتماعی به تفکیک گروه‌های سنی و جنسیتی و دیگر متغیرهای جمعیت‌شناختی، داده‌های مورد استفاده در این تحقیق، در سطح ملی است و بنابراین نمی‌توان به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان خودکشی در بین گروه‌های مختلف افراد جامعه پرداخت. برخی تحقیقات پیشین به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و خودکشی در گروه‌های مختلف جمعیتی پرداخته‌اند.

۳. اکثر تحقیقات انجام شده و همچنین نظریات مطرح شده به بررسی و تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و انحرافات اجتماعی و نه خودکشی پرداخته‌اند.

نتایج تحقیق نشان داد که رابطه بین سرمایه اجتماعی کل و خودکشی معنادار نیست. این یافته تحقیق با یافته‌های بهزاد (۱۳۸۱)، چلی و مبارکی (۱۳۸۴)، هلیول (۲۰۰۴)، میگان و اونیل (۲۰۰۵) و کلی و همکاران (۲۰۰۹) ناهمسو است، چراکه بر اساس یافته‌های آنها بین سرمایه اجتماعی و جرم (و خودکشی) رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین این یافته تحقیق، مؤید نظریات فشار، نظریات کسانی چون هیرشی، سمپسون و لوپ، کاکس، بریتویت، کازاردا و جان ویتز، هرنتین و بخشی از نظریه پاتنام نیست، چراکه بر اساس این نظریات می‌توان گفت: پیوندهای اجتماعی قوی و سرمایه اجتماعی بالا منجر به کاهش کج رفتاری می‌شود.

یافته‌های تحقیق به تفکیک مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک زیر است:

الف) بین سرمایه اجتماعی غیر رسمی ساختاری و خودکشی رابطه معناداری وجود ندارد. اگر بتوانیم این مؤلفه را با مؤلفه سرمایه اجتماعی درون گروهی که کوتلیپ (۲۰۰۹) بررسی کرده است متناظر بدانیم، باید گفت که این یافته تحقیق با یافته کوتلیپ ناهمسو است، چراکه تحقیق وی نشان داد که سرمایه اجتماعی درون گروهی با میزان خودکشی رابطه منفی معناداری دارد. همچنین این یافته تحقیق مؤید نظریه پاتنام نیست. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی درون گروهی می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی شود.

ب) همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای سرمایه اجتماعی غیر رسمی شناختی،

سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته شناختی و سرمایه اجتماعی نهادی شناختی با خودکشی هیچ رابطه معناداری را نشان نداده است. این یافته‌های تحقیق با یافته‌های علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۸۷) ناهمسو است و نظریه کاکس را تأیید نمی‌کند، چراکه بر اساس یافته‌های علیوردی‌نیا و همکاران، سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده منجر به کاهش بزهکاری در بین پسران شده است و همچنین کاکس معتقد است که اعتماد اجتماعی (که در این تحقیق متناظر با سرمایه اجتماعی نهادی شناختی است) منجر به کاهش کج‌رفتاری از جمله خودکشی می‌شود.

ج) بین سرمایه اجتماعی نهادی ساختاری (شرکت در انتخابات) و خودکشی رابطه منفی معناداری وجود دارد. تحقیقات پیشین به بررسی رابطه بین میزان شرکت در انتخابات و میزان خودکشی نپرداخته‌اند. اما این یافته تحقیق مؤید نظریه دورکیم است؛ بدین معنا که دورکیم معتقد است: شرکت فرد در انجمن سیاسی یا همان اجتماع سیاسی که در اینجا شرکت در انتخابات مدنظر بوده است، می‌تواند باعث ایجاد همبستگی بین افراد جامعه و بدین طریق مانع بروز انحرافات اجتماعی شود.

د) بین سرمایه اجتماعی تعمیم‌یافته ساختاری و خودکشی رابطه منفی معناداری وجود دارد. اگر بتوانیم این مؤلفه را با مؤلفه سرمایه اجتماعی بین‌گروهی که کوتلیپ (۲۰۰۹) بررسی کرده است، متناظر بدانیم می‌توان گفت که این یافته تحقیق با یافته وی همسو است. در تحقیق کوتلیپ روشن شد که سرمایه اجتماعی بین‌گروهی با کاهش نرخ خودکشی در ارتباط است. همچنین این یافته تحقیق مؤید نظریات یادگیری اجتماعی و بخشی از نظریات پاتنام و دورکیم است؛ بدین معنا که نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بر این باورند که عضویت فرد در گروه‌های بهنجار، به کاهش انحرافات اجتماعی منجر می‌شود. همچنین پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی بین‌گروهی باعث کاهش کج‌رفتاری می‌شود. همچنین بر اساس نظریه دورکیم، انجمن‌های دینی و اجتماعی (در این تحقیق شرکت فرد در مناسک دینی جمعی و فعالیت‌های مذهبی و شرکت در انجمن‌های داوطلبانه) می‌تواند همبستگی میان افراد جامعه را تقویت کرده و از بروز انحرافات اجتماعی جلوگیری کند.

به‌طور کلی می‌توان گفت: برخی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با خودکشی در ارتباط هستند. همچنین می‌توان استنباط کرد که شرکت فرد در فعالیت‌های مذهبی، انجمن‌های

داوطلبانه و ارادی به افزایش احساس معناداری فرد در جامعه و تأثیرگذاری وی در جامعه کمک می‌کند و بدین طریق باعث کاهش فردگرایی فرد و دست زدن به اعمال خودتخریبی می‌شود. همچنین می‌توان گفت: زمانی افراد در انتخابات شرکت می‌کنند که احساس کنند، می‌توانند بر فرایندهای سیاسی تأثیرگذار باشند و خود را به‌عنوان کنشگرانی فعال بشناسند، بنابراین شرکت آنها در انتخابات نشان‌دهنده فردگرایی پایین آنها است که این امر منجر به کاهش اعمال خودتخریبی می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهاد داد که دولت می‌تواند با فراهم ساختن شرایط لازم برای ایجاد انجمن‌های غیردولتی، حضور و مشارکت افراد جامعه را در این دسته از تشکل‌ها و انجمن‌های داوطلبانه تسهیل ساخته و افراد را به شرکت در انتخابات ترغیب سازد و بدین طریق مانع ظهور کج‌رفتاری در میان افراد جامعه شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آرون، ریمون (۱۳۷۷). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- امیرخانی، طیبه و علی اصغر پور عزت (۱۳۸۷). «تأملی بر امکان توسعه سرمایه اجتماعی در پرتو عدالت سازمانی در سازمان‌های دولتی»، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۱: ۱۹-۳۲.
- برغمندی، هادی (۱۳۸۷). «تأثیر تخریب محله غربت بر سرمایه اجتماعی اهالی محله خاک سفید»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۲۸: ۲۸۳-۲۶۳.
- بهزاد، داوود (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶: ۴۳-۵۳.
- پاتنام، رابرت (۱۳۷۷). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴). «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶: ۱-۳۲.
- حسینی، سید امیرحسین، زهرا علمی و محمد شار پور (۱۳۸۶). «رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶: ۵۹-۸۴.
- چلیبی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره دوم: ۳-۴۴.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸). خودکشی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: آوای نور.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۲: ۱۸-۵.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات آن.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۳). «سرمایه اجتماعی»، در لارسن هریسون و ساموئل هانتینگتون، اهمیت فرهنگ، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران در حال تأسیس، تهران: امیرکبیر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۲). «پیامدهای جنسیتی سرمایه اجتماعی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱ شماره ۵: ۷-۳۴.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب) منابع لاتین

- Field, John (2003). Social Capital , published by Routledge. London. UK.
- Lin, Nan (2001). Social Capital: Theory of Social Capital and Action: Cambridge university press.
- Turner, Jonathan H. (2003). The Structure Of Sociological Theory, University Of California Reverside.